

سید برکت الله حسینی زاده، در فلم (مسافرت)

نوشته، ضیا



انگار که ترک از وطن و سفر به نا کجا آباد، خصلت رو به افزایش عصر انفجار تکنولوژی در قرن 21 شده باشد. شاید به همین دلیل است که بیشتر از چند دهه و سالهای اخیر، خاصاً از یک سال به این سو صدای هجرت، پناهنده گی و پناهجویی سر خط خبر های دنیا شده است. ممکن است دلیل دیگرش این باشد که هستی با همه دار و ندارش میلان طبیعی خود را به سوی تعادل می کشاند تا نظم جهان بر هم نخورد. اجتماعات و کتله های بزرگ انسانی نیز مسیر تعادل را می خواهند

بپیمایند!! یعنی در عصری که به سر میبریم، جهان ما بصورت عام به دو بخش (دارا و نادار)، (آرام و نا آرام)، (در صلح و در جنگ)، (ضعیف و قوی)، (زور و عاجز)... به سر می برند. وقتی پله ترازو میان فقیر و دارا و یا در صلح و در جنگ نا متعادل می شود و کمیت انسانهای فقیر، نا آرام و دست و گریبان با جنگ... از حد میگذرد، طبیعتاً اجتماعات محروم و مجبور به سوی کشور های مرفه و آرام رخت سفر می بندند، به هجرت و مسافرت می پردازند تا چند صباحی را که باید زنده باشند، در کشور های آرام به سر ببرند.

سالهای جنگ سرد میان اتحاد شوروی و امریکا به ویژه پس از به قدرت رسیدن رژیم خلق و پرچم در افغانستان که به تاریخ 28 اپریل 1978 صورت گرفت، گراف مهاجرت های فردی، خانواده گی و جمعی مردم افغانستان در اثر ظلم و تعدی روز افزون خلقی ها و پرچمی ها به کشور های همسایه و به زودی به کشور های غربی بالا گرفت، تا آنکه طی 14 سال سلطه رژیم کودتا، افغانستان بالاترین نرخ مهاجر را در دنیا به خود اختصاص داد. آنگاه که مجاهدین زمام امور را به دست گرفتند. تنظیمی های جاه طلب و در دام افتاده در استخبارات منطقه بخصوص پاکستان و ایران جنگ های نیابتی را در افغانستان طوری سامان بخشیدند که یک بار دیگر مردم به خون نشسته افغانستان سیل آسا به کشور های همسایه و کشور های غربی مهاجر شدند. این روند نحس چه در دوره طالبان و چه در دوره برادر طالبان (کرزی) و تاکنون مسیر پُر از مخاطره را در حال پیمودن است. علاوه از مدتیست که آتش جنگ در کشور های عراق، سوریه، یمن و سایر کشور ها نیز شعله ور است که انبوه مهاجران را به ویژه به سوی اروپا و استرالیا کشانده و استرالیا با انفاذ قوانین سخت گیرانه تا حد قابل ملاحظه از پذیرش پناهجویان غیر قانونی که با کشتی خود را به استرالیا می رساندند امتناع

ورزیده که با این کار دامنه مرگ و میر و غرق شدن مهاجرین در آبهای استرالیا از میان رفته و اما این سیل پناهجویان از طریق ترکیه و یونان به اروپا سناریوی جدید اما بسیار غم انگیز را به وجود آورده است.



صحنه بی از فیلم مسافرت

آب، آب است و دریا با همه خطرات آن دریاست. فرقی ندارد که آبهای اقیانوس آرام باشد و یا دریای مدیترانه، ترکیه یا هر کجای دنیا. اخیراً به همین مناسبت اداره مهاجرت استرالیا با صرف 6 میلیون دلار فلمی را ساخته که پیام بسیار روشن آن، هربیننده و خاصاً آنهایی را که هوای مهاجرت از طریق قاچاقچیان انسان، آنهم از راه آب را در سر می پروراندند، هشدار و هوشیاری میدهد که همچو سفرها چه عواقبی را در پی خواهد داشت. و اما در همین مورد فلم مسافرت (Journey) توسط پردیوسر و فلمنامه نویس موفق استرالیایی آقای (Muffy Putter) تهیه شده که این هنرمند با دریافت تجارب خوب از تهیه برنامه های ستاره

افغان در افغانستان توانسته است فرایند تأثیرات سیاسی و اجتماعی بی را که منتج به واکنش های افراد شده است، باز تاب دهد. در پهلوی آن آقای محمد قربان کریمی (ایرانی) به نوشته های بی روح در روی کاغذ جان داده و آن را در مکان های مناسب و زمانهای مناسب به وسیله کرکتر های مناسب در حرکت آورده است. طوری که آقای سید برکت حسینی زاده یکتن از کرکتر های مرکزی این فلم که با او صحبت هایی داشتیم، ابراز نمود: سعی بیشتر پردیوسر و دایرکتر بران بود تا شخصیت های غیر حرفوی درین فلم نقش داشته باشند تا حوادث به گونه ریالیستیک به بیننده القا گردد.

با سپاس از جوان افغان، آقای سید برکت حسینی زاده که موصوف درین فلم به نام (نجیب الله) نقش بازی کرده، ضمن آنکه با خود این جوان معرفت حاصل میکنیم، به گوشه هایی از فلم (مسافرت) نیز معلومات حاصل می کنیم: آقای حسینی زاده، در سال 1993 در جاغوری پا به هستی گذاشت. وقتی پای نحس طالبان به جاغوری رسید، پدرش آقای سید جاوید حسینی زاده به خاطر زنده ماندن خودش و خانواده اش به پاکستان مهاجر شدند. سید جاوید پس از دو ماه اقامت در پاکستان، دل به دریا زد و با پشت سر گذشتاندن خطرات فراوان به وسیله قایق خود را به استرالیا رساند. پنج سال در کمپنی ذوب آهن کار کرد و به تنهایی در استرالیا به سر برد. سپس آل و عیالش را از پاکستان به گونه قانونی به استرالیا خواست و به اقامت ادامه دادند.

همه فرزندان خانواده از جمله سید برکت الله شامل مکتب شدند که اینک آقای سید برکت الله حسینی زاده دانشجوی سال اول دوره ماستری در رشته Orthotic می باشد.

با ید گفت؛ این جوان پیش ازین نیز ماستری خود را در رشته Medical Bio Technology به دست آورده است. همچنان در رشته Molecular Science Bio لیسانس دارد. درقبال آنهمه دانش اندوزی ها، به سمت سفیر از جانب Cancer Council در کمونیتی کار میکند و به حیث معلم در مکتب افغان فجر نیز در خدمت اطفال و نوجوانان قرار دارد. از آقای حسینی زاده پرسیدم؛ چگونه درین فلم راه پیدا کردی؟ گفت: اطلاعیه ئی را از اداره مهاجرت از طریق ایمل

دریافت کردم و به آنجا مراجعه نمودم. وقتی تماس حاصل کردم و از نزدیک ملاقات نمودم، مورد قبول واقع شدم. آقای حسینی زاده سابقه بازیگری نداشت، اما از کودکی با دیدن فلمهای هندی، ایرانی ... این احساس برایش دست داده بود که روزی در برابر کمره فلمبرداری سینما قرار گیرد و نقشی را ایفا کند. ضمناً ذهن جستجوگر او، استعداد های ذاتی اش را در عرصه های گوناگون به آزمون گرفته تا فرصت های دست داشته اش به هدر نرود. این حقایق باعث شد که به این امر بزرگ اقدام کند و یکی از نقش های مرکزی فلم را به ثمر برساند.

علاوه از آقای حسینی زاده، سه تن از جوانان افغان، همچنان خانم ها و آقایان ایرانی، عراقی و پاکستانی نیز در فلم مسافرت نقش بازی کرده اند؛ چنانچه خانم مهسا کریمی در نقش (سارا)، روهن انجار پاکستانی در نقش (بلال)، حسامه سامی در نقش (ندیم) و غیره.

فلم متذکره طی یک سال تهیه شد و در تلویزیونهای افغانستان، ایران، عراق و پاکستان به نمایش گذاشته شده است. بی تردید که به تصویر کشیدن چهره های اصلی قاچاقچیان انسان، رنجها و محنت های سفر در خشکه و آب و آنهم در قایق های غیر معیاری و در نتیجه تلفات انسانی بالای بیننده های آن تاثیرات ژرف به جا گذاشته است. همه میدانیم که نه تنها انسان، بلکه پرند ها، و حیوانات نیز به خانه و کاشانه شان دلچسپی و علاقمندی دارند. شاید کسی پیدا نشود، بدون دلیل، آنهم دلیل موجه خانه، محل و کشور خود را ترک کند و به غربت تن دهد. دلیل بزرگ هجرت گزینان از کشور ما، همانا فرار از مرگ بود و است که بنیاد آن توسط خلقیها و پرچمی ها در افغانستان گذاشته شد و به تعقیب آن گرگها، کفتار ها و درنده خویانی در سیمای میش ظاهر شدند که با گذشت هر روز از جان مردم ما قربانی گرفتند و کشور را به خرابه مبدل ساختند. با تاسف تاهنوز این کفتار ها جای شان را یکی به دیگر میدهند. گو یا که دامنه آن قطع شدنی نیست. هیچگاه و ابداً این وضع به پایان نمی رسد، مگر که ملت بیدار شود و مردم بیدار شوند. آنگاه همه چیز خوب خواهد شد و کسی به سوی ناکجا آباد سفر نخواهد کرد. انشاءالله.